



است ظهور از مکه آغاز می‌شود. با این حساب می‌توان توقع داشت که در آینده، حداقل بخش‌هایی از توسعه‌گرایی دوباره به خاستگاه اولیه خودش بازگردد یا بخش‌های دیگری از آن، از نوکلید بخورد چون اگر بپذیریم تمدن اسلامی نقش مهمی در ریشه‌های رنسانس و توسعه تکنولوژی مدرن داشته است، نمی‌توان انکار کرد که متفکرین و دانشمندان ایرانی تبار مهمترین نقش را در تمدن اسلامی مذکور داشته‌اند.

ما ایرانی‌ها از جنبش تنباکو گرفته تا نهضت مشروطه، در تاریخ معاصر نیز همواره یکی از پیشگامان تحول خواهی در خاورمیانه بوده‌ایم؛ مثلاً نخستین کشوری که نفت را ملی اعلام می‌کند و در همین ماجرا مقابل بسیاری از قدرت‌های جهان می‌ایستد، ما بوده‌ایم. کشور ایران هیچ‌گاه از نظر پزشکی، داروسازی، تولید علم و فناوری، صنایع دفاعی و... در چنین جایگاهی که امروز ایستاده، نبوده است. یازده برابر استاندارد جهانی تولید علم داشتن و پیشگامی در تکنولوژی‌های هسته‌ای و نانو و سلول‌های بنیادی و زیست فناوری و صنایع موشکی و ساخت و تولید پهپاد و موارد متعدد دیگر؛ اما برای فاصله گرفتن از احساسات فاشیستی، می‌توان سؤال اصلی را این‌گونه مطرح کرد: اگر بر سر ادعای واهی تضاد تفکر دینی و توسعه یافتگی دوباره وقت تلف نکنیم، مهمترین شباهت‌ها و تفاوت‌های الگوی توسعه دینی و غیردینی شامل چه مواردی است؟ دست‌کم از آغاز دوران صد ساله نهضت مشروطه تا تمام سال‌های دوران پهلوی اول و دوم که اوج غرب‌گرایی در ایران محسوب می‌شود، اکثر شواهد حکایت از تشدید فاصله ما و غرب از نظر تکنولوژی و رشد صنعتی دارند؛ اما امروز تقریباً بیست سال است که پیشخوان تقابل ما و قدرت‌های غربی پرونده‌ای است به نام تکنولوژی هسته‌ای و غنی‌سازی؛ یعنی یک موضوع کاملاً علمی و فناورانه و صنعتی. اگر توان موشکی و صنایع دفاعی را نیز اضافه کنیم، این سؤال پیش می‌آید که اگر واقعاً سلسله قاجار با انقلاب دینی منقرض می‌شد، نه یک نظام پادشاهی مجدد و دست‌نشانده به نام پهلوی، آیا ارتش‌های روس و انگلیس می‌توانستند در کمتر از چند ساعت کل بخش‌های وسیعی از شمال و جنوب کشور را کاملاً تصرف کنند و گذشته از ویرانی‌های حاصل از

سواحل دریایی گرفته تا ممنوعیت مصرف مشروبات الکلی و بسیاری از درونمایه‌های ماجرای مکه کارتیسم و... یا صهیونیسم مسیحی که شاید هنوز هم یکی از مهمترین بسترهای موضع‌گیری و رویکردهای سیاسی این کشور نسبت به قضیه فلسطین اشغالی است. (مسیحیانی که تصور می‌کنند بدون شکل‌گیری دوباره یک دولت یهودی در اراضی فلسطین ظهور و بازگشت حضرت مسیح (ع) اتفاق نخواهد افتاد...)

تا اینجا کم‌تاز زیاد، مختصر اشاره‌هایی به وضعیت گذشته تا امروز جریان موسوم به توسعه‌گرایی داشته‌ایم. راجر تریگ نویسنده کتاب «فهم علم اجتماعی» طرح اردک- خرگوش را مثال می‌زند که توضیح بدهد مبانی فکری و پیشداوری‌های ما چگونه ممکن است در فهم ماهیت هر تجربه‌ای بشدت اثرگذار باشد؛ طرحی که در آن واحد، هم ممکن است خرگوش دیده شود و هم اردک، اما عملاً و واقعاً هیچ‌کدام از آنها نیست. اشاره‌های کوتاه ما به تاریخ مدرنیته و مخصوصاً شرایط فعلی حاکم بر کشور خودمان شاید در حد طرح واره‌ای شبیه به همین اردک- خرگوش باشد که با آن نتوان شکل واقعی‌نمایی دور از آینده را ترسیم کرد، اما چیزهایی را شاید بتوان حدس زد. شیعه معتقد



اما همین ناتوی فرهنگی و رسانه‌ای که مدام در اطراف موضوع مهاجرت و پدیده فرار مغزها مانور می‌دهد، کاملاً حواسش جمع است که از یک موضوع دیگر هیچ حرفی نزند! موضوعی که فعلاً آنرا پدیده «حرام شدن مغزها» می‌نامیم...